



ویژه نامه

بر بلندای

دلیبری



ایران جان

صدای دانشگاه فرهنگیان

صاحب امتیاز:
جامعه فرهنگیان

مدیرمسئول و سردبیر:
دانشجو معلمان ایران

شماره سوم
بهار ۱۴۰۵

- به نام قدر
- ایران، یک آرمان بلند ملکوتی است
- سرمایه‌ی اجتماعی و انسجام ملی در دفاع از
- تجاوز آشکار صهیونی-آمریکایی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت پرافتخاردو دانشجومعلم عزیز دانشگاه فرهنگیان تهران، شهید امیرمحمد اسمعیل‌لو و شهید امیرحسین سلجوقی، که در حین خدمت برای حفظ امنیت وطن به قافله شهدای جنگ تحمیلی سوم پیوستند، سند دیگری بر جنایات شجره شیطانی دشمن آمریکایی صهیونی گردید و شور و شعور حسینی را در دانشگاه فرهنگیان به اوج رسانید.

امیرمحمد و امیرحسین، از امروز برای همیشه معلم فرزندان آینده این سرزمین و محور تربیتی هستند که الفبای آن را امام راحل و امام شهید به آزادگان جهان آموختند.

اینجانب از سوی خود و همه فعالان عرصه‌های فرهنگی و تربیتی در سازمان مرکزی و استان‌ها، پرواز علی اکبرگونه جوانان مکتب خامنه‌ای شهید را به خانواده‌های این عزیزان و جامعه بزرگ دانشگاه فرهنگیان تبریک و تسلیت عرض نموده و از خداوند سبحان همنشینی با شهدای کربلا را برای این دو شهید سعید مسألت می‌نمایم.

حمیدرضا ابراهیمی

معاون فرهنگی و تربیتی دانشگاه فرهنگیان

شناختنامه

صاحب امتیاز:

جامعه‌ی فرهنگیان

مدیرمسئول و سردبیر:

دانشجو معلمان ایران

هیئت تحریریه :

دکتر عبدالله عالی شیرمرد، استاد حسین دولت دوست،
ریحانه عادل، زهرا بدیعی، مریم دلیلی، فرشته
علی وردی، مهدیه عیدی، فاطمه عزیزی، فاطمه دیانت،
فاطمه نعمتی، امیرحسین سیدآبادی، سیده زهرا
شفیعی و ابوالفضل سالاروند

ویراستاران:

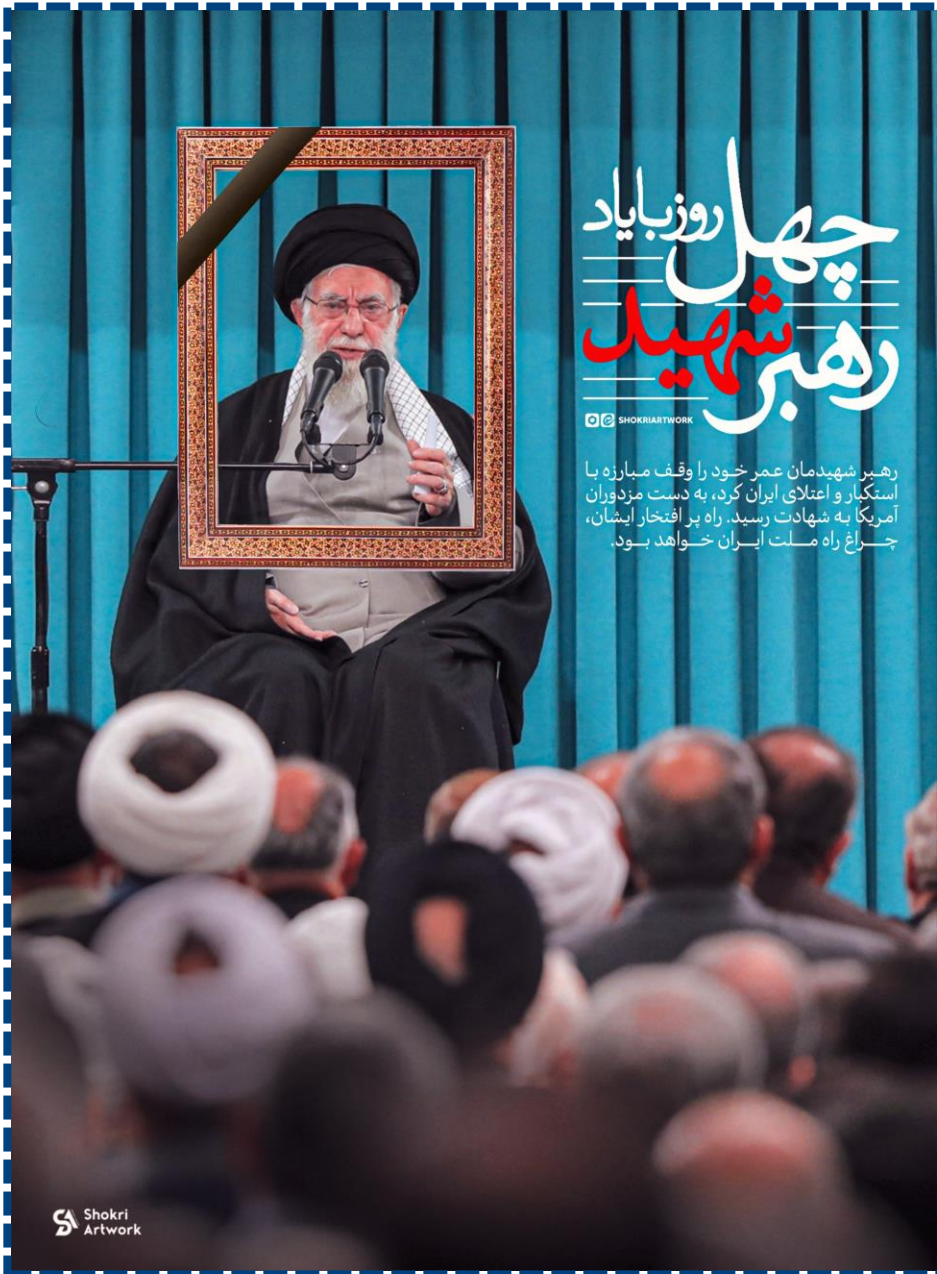
مبینا زارعی، فاطمه سادات موسوی

صفحه آرا:

مهدیه عیدی

طراح جلد:

علی شکری



فهرس کتاب

- ۲ دانشگاه فرهنگیان: دانشگاه تمدن ساز در دوران جنگ و بازسازی
- ۳ ایران، یک آرمان بلند ملکوتی است
- ۴ دانش آموزان آسمانی
- ۵ موبک فرشته‌های صورتی
- ۶ ایستگاه شعر
- ۷ نبض جهان در توپیتر
- ۸ سرمایه‌ی اجتماعی و انسجام ملی در دفاع از تجاوز آشکار صهیونی-آمریکایی
- ۱۰ دوربین شما
- ۱۲ به نام قدر





دانشگاه فرهنگیان:

دانشگاه تمدن ساز در دوران جنگ و بازسازی

عبداله عالی شیرمرد

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

ترویج تفکر انتقادی و خلاقیت: آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت به دانش‌آموزان، به منظور توانمندسازی آن‌ها برای حل مشکلات و مشارکت در توسعه‌ی جامعه. تقویت ارتباط بین دانشگاه و جامعه: همکاری با سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در سطح جامعه. تحقیقات در زمینه‌ی آموزش و توسعه: انجام تحقیقات در زمینه‌ی آموزش و توسعه، به منظور شناسایی چالش‌ها و ارائه‌ی راهکارهای نوآورانه. در نهایت، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند با ایفای نقش خود به عنوان یک دانشگاه تمدن ساز، نقش مهمی در بازسازی و توسعه‌ی جامعه پس از جنگ ایفا کند. تربیت معلمان متخصص و متعهد به ارزش‌های تمدنی، گامی اساسی در جهت ساختن آینده‌ای بهتر برای نسل‌های آینده است.

نقش دانشگاه فرهنگیان در دوران پس از جنگ (بازسازی و تمدن سازی): پس از پایان جنگ، نقش دانشگاه فرهنگیان در بازسازی و تمدن سازی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند: تربیت معلمان متخصص در بازسازی: تربیت معلمان متخصص در زمینه‌های روان‌شناسی تربیتی، آموزش مهارت‌های زندگی، و آموزش دفاع، صلح و مدارا و عدالت اجتماعی. توسعه‌ی برنامه‌های درسی تمدنی: طراحی و تدوین برنامه‌های درسی که بر ارزش‌های تمدنی اسلامی و توسعه‌ی پایدار تأکید دارند.

این یادداشت تحلیلی به بررسی نقش دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک نهاد کلیدی در تمدن سازی، به ویژه در دوران جنگ و پس از آن می‌پردازد. با توجه به اهمیت تربیت معلمان در شکل دهی به نسل‌های آینده، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند نقش محوری در بازسازی و ترویج ارزش‌های تمدنی ایفا نماید.

نقش دانشگاه فرهنگیان در دوران جنگ: تامین نیروی انسانی متخصص: تربیت معلمان نوآور برای ارائه‌ی آموزش‌های حضوری و مجازی در مناطق جنگ زده، به منظور حفظ و تداوم آموزش.

حمایت روانی و اجتماعی از معلمان و دانش‌آموزان: ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی به معلمان و دانش‌آموزان آسیب دیده از جنگ.

تولید محتوای آموزشی مناسب: طراحی، تولید مواد آموزشی و کاربرد متناسب با شرایط جنگ و نیازهای دانش‌آموزان در مناطق جنگ زده.

حفظ و ترویج فرهنگ و هویت ملی: آموزش تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ملی به دانش‌آموزان، به منظور تقویت هویت ملی و مقاومت در برابر ایدئولوژی‌های بیگانه.

ایران

یک آرمان بلند ملکوتی است

بنگرید به معرکه‌ی گیتی؛ این ضیافت باشکوه کسانی است که هراس را در محراب یقین، ذبح کرده‌اند. آنان با قلبی سخت و خشمی مقدس، چنان فریاد «حق» را برمی‌آورند که لرزه بر ارکان کاخ‌های شیشه‌ای استکبار می‌افتد. این مجاهدان را از مرگ چه باک؟ که آموخته‌اند مرگ در راه معشوق، آغاز جریان دررگ‌های ابدیت است و شهادت، تنها حقیقت جاویدان هستی است.

دیگر نه تزویر سیاست‌های اهریمنی و نه هیمنه‌ی پوشالی دولت‌های مستکبر، سد راه این سیل بنیان‌کن نخواهند بود. امروز، «ایران مقتدر» تنها قطب‌نمای تمامی آزادگانی است که میان ذلت سازش و عزت خون، طریق سرافرازی را برگزیده‌اند.

بندهای اسارت گسسته و بنیان ستم به رعشه افتاده است. این فریاد رسا را هیچ قدرتی دیگر نمی‌تواند خفه کند؛ زیرا ملتی که به سرچشمه‌ی بصیرت رسیده، سپیده‌دم پیروزی را در آغوش خویش دارد. این طوفان بیداری و این حماسه‌ی جهان‌شمول، میراث ابدی خون شهیدانی است که با مشعل جان، جاده‌ی رسیدن به خورشید عدالت را تا طلوع آخرین منجی، روشن نگاه داشته‌اند.

و هزاران هزار بار شکر خدای را که تاج عزت و فخر حسینی بودن در دنیای یزیدیان را، بر سر ما نهاد.

به قلم دانشجو معلم
دانشگاه فرهنگیان استان کرمان

امروز، ایران دیگر یک «جغرافیا» در حصار مرزها نیست؛ ایران یک «آرمان بلند ملکوتی» است. قله‌ای است رفیع که پژواک نام استوارش، از تن خاکی زمین فراتر رفته و در شریان‌های غیرت ملل آزاده، چون جریانی ابدی تکثیر گشته است. آن پرچم سه‌رنگ که تبلور شکوه ایمان، اقتدار اسلام و ایستادگی پولادین است، دیگر تنها بر فراز برج و باروها نمی‌رقصد؛ بلکه امروز، این بیرق بیداری در دستان حق‌طلبان جهان، همان «درفش کاویان عصر ظهور» است که پایان شوکت پوشالی ستمگران را بشارت می‌دهد.

خون مطهر قائد عظیم‌الشأن و رهبر شهید امت، تنها قطره‌ای بر خاک نبود؛ بلکه جرقه‌ای بود از آتش بیداری که در انبار باروت وجدان‌های خفته افتاد و جهانی را به ضیافت آگاهی کشاند. این خون، یک واقعه در تقویم تاریخ نبود، بلکه «انفجار سرخ زمان» بود؛ حماسه‌ای که «ذات سبز تکلیف» را در پهنه‌ی گیتی رویاند و مفهوم غیرت را در کالبد واژه‌ها بازتعریف کرد.

دانش آموزان

آسمانی

ای دانش آموزان ازلی... ای فرشتگان آسمانی!
در این ماه نور، ماهی که خود، تجسم «نبرد نور و ظلمت» است، یاد شما، چنان «اللّه اکبر»ی در سحرگاه رمضان، در جان ما طنین انداز می‌شود. شمیم حضورتان، عطر گل‌های بهشتی را در هوای پر از دلتنگی مدرسه می‌پراکند.

ما اینجا، در مدرسه‌ای که از عطر قدم‌هایتان جان گرفته، درس مقاومت را از شما آموختیم. درس قلمی که از جوهر خون، سرشار شد و بر صحیفه‌ی تاریخ، حماسه‌ای جاودانه نگاشت. درس عشقی که در آن قصه‌ی پر از درد با شهادت، معنا یافت و «رمضان پایداری» را تفسیر کرد.

«درس ما هنوز ادامه دارد...»

این تنها یک جمله نیست، فریادی است که از عمق جان ما برمی‌آید!

چراکه هر کدام از ما، حال، امتداد همان راهیم، همان «چراغ ماندگار»ی که شما در مدرسه‌ی میناب روشن کردید.

ما می‌نویسیم، نه برای ثبت لحظه‌ای، که برای جاودانگی یک «حماسه».

می‌نویسیم تا جهان بداند،

که چگونه پرتوی خون بی‌گناه شما، روشنایی «چراغ انسانیت» را برافروخت.

جهان بداند، ملتی که «رمضان» را با «شهادت» پیوند می‌زند،

هرگز در برابر ظلم، سر خم نمی‌کند.

ملتی که «ماه استقامت» را با «یاد دانش‌آموزانش» گرامی می‌دارد،

همیشه «پیروز این نبرد نور» خواهد بود.

و امروز، ماه رمضان، گواه است!



حسین دولت دوست
مدرس دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

از زبان (مادر) دختر بچه‌ی شهید مدرسه شجره‌ی
طیبه شهر میناب:

وقتی که می‌رفتی
آن لحظه باران بود
لبخند تو اما
عطر بهاران بود
وقتی که بوسیدی
اشک نگاهم را
روشن‌ترین کردی

صبح پگاهم را
دختر خوب من
تو مثل گل‌هایی
دل‌تنگم از دوری
پس کی تو می‌آیی
اینک دگر عکست
در دست مامان است
اشکش به روی آن
مانند باران است



موکب فرشته‌های صورتی



در شب‌های غم‌انگیز پس از شهادت رهبر معظم و فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (قدس سره)، موکب عزاداری شهرستان داراب استان فارس با حضور پرشور مردم، کودکان و دانش‌آموزان دارابی، میزبان دل‌های داغدار و عاشقان ولایت است. طراحی زیبای موکب با فرشته‌های صورتی، نمادی از پاکی، امید و حضور معصومان‌هی کودکان در کنار یاد شهدا می‌باشد.

در برنامه‌ای ویژه، فضایی معنوی طراحی شده است که کودکان بتوانند با نقاشی و ترسیم صحنه‌های مقاومت و رنگ‌آمیزی پرچم مقدس ایران، عشق و وابستگی‌شان به وطن و آرمان‌های انقلاب را ابراز کنند.

کودکان پس از پایان نقاشی، پرچم‌های رنگی خود را با حس تعلق خاطر، میان جمعیت به اهتزاز درمی‌آورند؛ صحنه‌ای که تلفیقی از غیرت و ایستادگی را به نمایش می‌گذارد. این موکب که نام و یاد کودکان شهید میناب را نیز زنده نگه داشته است، نشان‌دهنده‌ی پیوند نسل امروز با خون پاک شهیدان و استمرار راه ولایت است.

زهرا بدیعی
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان فارس

ایستگاه

شعر

مریم دلیلی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

جنگ، جنگی نابرابر بود
 جنگ، جنگی فوق باور بود
 جنگ با اهریمن و دیو پلید غرب،
 جنگ با ظالم و کافر بود...
 در میان کوله‌های خاکی و خونی
 در دبستان شهادت پرور میناب
 ماند تنها پیکربی جان دخترها
 و حیاط مدرسه از خونشان سیراب
 دشمن بدعهد بی‌انصاف اهریمن منش اما
 خوی رستم را میان شیرمردان غیور سرزمین
 من نمی‌بینند
 آری، آن گردان سرگردان اسرائیل و آمریکا
 در صدای مادران داغ دیده، انتظار انتقام
 سخت را گویا نمی‌بینند
 دشمن ترسوی ما هرگز نمی‌داند
 کین موشک‌ها، ندای انتقام یک ایران است
 آن یتیمانی که در سوگ پدر هستند...
 او نمی‌داند که ایران مهد شیران و دلیران
 است
 لیک، می‌دانم!
 با حضور ملت در این خیابان‌ها،
 مو به تن‌های شما سیخ است
 آری، هر نفرین و هر شعار این مردم،
 تیری از کمان آرش‌های تاریخ است...

فرشته علی‌وردی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان قم

می‌سرایم از دلم، از جان
 می‌نویسم از وطن، ایران!
 می‌نویسم برای سید خراسانی
 می‌نویسم برای رهبرم سید علی
 می‌نویسم که ای رهبرم، ای جان جهان
 دل ما گرم شما بود و هست ای آقا جان!
 می‌نویسم از تو ای، جان ایرانم!
 می‌نویسم از تو ای، مرد میدانم!
 از تو که چند روزی است ذهن مرا
 می‌بری به سمت و سوی آن دیدار
 محو لبخند شما می‌شود
 باز هم دلم در آن دیدار!
 در این زمان تا به ابد، با تو عهد می‌بندیم
 "غروب غیرت ما را کسی نخواهد دید!"
 قسم به خون پاک شما که می‌جوشد در رگمان
 که تا به ابد می‌مانیم در راه میهنمان
 که وقت قیام است، برخیزید ای مردم!
 زمانه بر سر جنگ است، برخیزید ای مردم!
 قسم به خون پاک شهیدان این میدان
 ظهور نزدیک است، برخیزید ای مردم!



نبض جهان

در
تویتر

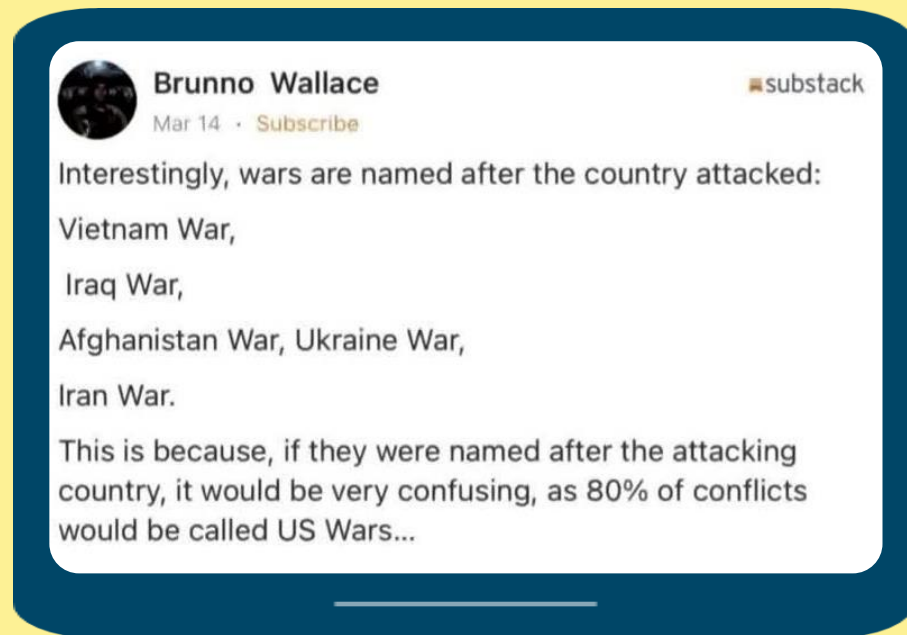


توئیت یک ژاپنی:
دوست دارم کنار ایرانی ها برای آزادی
جهان بجنگم

من سربازی خواهم بود که انتظارش را
نداشتند؛ از خاور دور می آیم تا در خط
مقدم در کنار آزادگان بجنگم.
سرنوشت ما پیروزی است، پیروزی ای
که برای همیشه در خاطره شجاعان
حک خواهد شد

توییت جالب یک کاربر انگلیسی زبان:
جالب است که نام جنگ‌ها را از روی کشور مورد حمله
می‌گذارند:
جنگ ویتنام،
جنگ عراق،
جنگ افغانستان،
جنگ اوکراین،
جنگ ایران.

این کار به این دلیل است که اگر اسم جنگ‌ها را از روی کشور
مهاجم بگذارند، خیلی گیج‌کننده می‌شود، چون ۸۰ درصد
درگیری‌ها باید اسمشان بشود: «جنگ‌های آمریکا».



کاربر ترکیه‌ای:
ایران یک ماهه که داره بمبارون میشه، اما حتی یک بار
هم نشنیدیم که موجی از پناهجویان به مرزها هجوم
بیارن.

من شخصاً به مردم باوقار و شجاع ایران احترام می‌ذارم.

سرمایه‌ی اجتماعی و انسجام ملی در دفاع از تجاوز آشکار صهیونی-آمریکایی

مهدیه عیدی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

مقدمه و بیان مسئله

در شرایطی که جامعه‌ی ایران در زمستان ۱۴۰۴ با تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا مواجه شد، جنگ ماه مبارک رمضان به عنوان صحنه‌ای بی نظیر برای ظهور و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در بحرانی‌ترین شرایط تبدیل گردید. این رویارویی را می‌توان آزمونی سخت برای سنجش عمق همبستگی ملی در برابر تجاوز شمرد که با پشتیبانی کامل قدرت‌های جهانی طراحی و اجرا می‌شد. این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و تحلیل تجربیات معلمان، دانشجویان و دانشجو معلمان در استان‌های همدان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی - که از مناطق فعال در پشتیبانی از جنگ ماه مبارک رمضان بودند، صورت گرفته است.

مبانی نظری و مفهومی

سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم محوری در علوم اجتماعی معاصر، به مجموعه منابع نهفته در ساختار روابط اجتماعی اشاره دارد. این سرمایه‌ی نامشهود، امکان همکاری، مشارکت جمعی و کنش مشترک را فراهم می‌سازد و کارایی نهادهای اجتماعی را افزایش می‌دهد. پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی را شامل سه مؤلفه‌ی اصلی می‌داند: شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و هنجارهای معامله‌ی متقابل. این مؤلفه‌ها در تعامل با یکدیگر، بستری برای همکاری و انسجام اجتماعی ایجاد می‌کنند. از دیدگاه کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی شکلی از سرمایه است که در ذات روابط اجتماعی نهفته و دستیابی به اهداف فردی و جمعی را تسهیل می‌کند. انسجام اجتماعی به درجه و کیفیت پیوندهای اجتماعی بین اعضای یک جامعه اشاره دارد و بیانگر میزان همبستگی، هماهنگی و یکپارچگی اجتماعی است.

اتحاد ملی شکل خاصی از انسجام اجتماعی است که در سطح کلان جامعه و در چارچوب مرزهای ملی ظهور می‌یابد. در شرایط بحران‌های گسترده مانند جنگ یا تهدیدات خارجی، نقش سرمایه‌ی اجتماعی در حفظ و تقویت اتحاد ملی به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. اعتماد اجتماعی نیز در چنین شرایطی به عاملی حیاتی برای کاهش هزینه‌های مبادله و تسهیل همکاری‌های ضروری بدل می‌گردد. در جنگ ماه مبارک رمضان در زمستان ۱۴۰۴، سرمایه‌ی اجتماعی موجود در جامعه‌ی ایران به اشکال مختلفی فعال شد: شبکه‌های محلی و نهادهای مدنی به کانال‌هایی برای بسیج منابع و هماهنگی اقدامات تبدیل شدند، اعتماد عمومی به نهادهای مسئول امکان اجرای سریع تصمیمات را فراهم ساخت، و هنجارهای همکاری و تعاون به ارزش‌های مسلط در تعاملات اجتماعی بدل گشتند.

در جهان بینی اسلامی، اتحاد و همبستگی اجتماعی جایگاهی محوری دارند و بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی استوار شده‌اند. قرآن کریم در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران با عبارت «**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**» بر ضرورت تمسک جمعی به ریسمان الهی و پرهیز از پراکندگی تأکید می‌کند. در نهج البلاغه، امام علی (ع) در خطبه ۱۷۶ به صراحت بر پیامدهای ویرانگر تفرقه و آثار سازنده‌ی وحدت تأکید می‌کنند. ایشان جامعه‌ی متحد را به پیکری سالم تشبیه می‌کنند که اختلال در یک بخش آن بر کل نظام تأثیر می‌گذارد. صحیفه‌ی سجادیه نیز در دعای ۲۰ با تأکید بر مفاهیمی مانند تعاون، همدلی و حمایت متقابل، ابعاد عاطفی و اخلاقی پیوندهای اجتماعی را برجسته می‌سازد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با معلمان، دانشجویان و دانشجو معلمان استان‌های همدان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، در کنار اسناد و گزارش‌های میدانی، مجموعه‌ای از عوامل روانی مؤثر در تقویت اتحاد ملی را در بستر جنگ ماه مبارک رمضان زمستان ۱۴۰۴ آشکار ساخت. مهم‌ترین عامل روانی که در تمامی مصاحبه‌ها به صورت پررنگ خودنمایی کرد، احساس تهدید مشترک و وجودی ناشی از تجاوز رژیم صهیونیستی بود. این تهدید که تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و ارزش‌های اساسی جامعه را نشانه رفته بود، به عنوان یک کاتالیزور قدرتمند عمل کرد و مرزهای قومی، زبانی و حتی طبقاتی را تحت الشعاع قرار داد. دومین عامل روانی برجسته، تجدید حیات و برجسته شدن ارزش‌های ایثار و فداکاری در گفتمان عمومی بود. داده‌های میدانی نشان می‌دهد که این ارزش‌ها از حیطةی نمادین و تاریخی خارج شده و به الگوهای کنش عملی در سطح جامعه تبدیل شدند.

کمک‌رسانی‌های خودجوش به مناطق آسیب‌دیده، استقبال از اسکان اجباری مهاجران جنگی در خانه‌های شخصی، و مشارکت داوطلبانه در پشتیبانی لجستیکی از جبهه‌ها، همگی مصادیقی از تبلور این روحیه بودند.





قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ
(آل عمران، ۱۹)

مهرگان

این پژوهش نشان می‌دهد که تهدید خارجی، علی‌رغم ماهیت ویرانگر خود، به‌طور پارادوکسیکال، به عاملی برای فعال‌سازی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی موجود و خلق اشکال جدیدی از انسجام تبدیل شد. جامعه با تکیه بر این سرمایه اجتماعی فعال شده، توانست نه تنها در برابر شوک اولیه مقاومت کند، بلکه ظرفیت‌های جدیدی برای سازماندهی، همکاری و تاب‌آوری جمعی ایجاد نماید.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجاده
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78



سومین عامل، کارکرد دوگانه‌ی آموزه‌های دینی به‌عنوان منبعی برای معنابخشی و انگیزش بود. از یک سو، مفاهیمی چون جهاد، دفاع از مظلوم، صبر و استقامت به جامعه کمک کرد تا مشقات و سختی‌های جنگ را در یک چهارچوب معنا دار تفسیر کند و تاب‌آوری روانی خود را افزایش دهد. از سوی دیگر، این آموزه‌ها واجبات اخلاقی و دینی قدرتمندی برای یاری‌رسانی و همبستگی ایجاد کردند.

عامل چهارم، کارکرد روانی گفتمان مقاومت و رهبری در ایجاد انسجام بود. گفتمان مبتنی بر دفاع مشروع، حق ذاتی ملت برای دفع تجاوز و وحدت در برابر اشغالگر، توانست یک چهارچوب تفسیری مشترک و بسیج‌کننده در سطح ملی ایجاد کند. این گفتمان، امید را به جای ترس و کنشگری را به جای انفعال در کانون توجه‌ی جامعه قرار داد. یافته‌ها حاکی از یک تحول کیفی در سطوح اعتماد بود. در این دوره، شاهد تقویت همزمان دو نوع اعتماد بودیم. اعتماد عمودی: سطح اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی، نظامی و امنیتی برای مدیریت بحران و دفاع از کشور به‌طور قابل توجهی افزایش یافت.

اعتماد افقی تعمیم یافته: اعتماد بین فردی و بین‌گروهی در جامعه نیز گسترش یافت. غریبه‌ها به یکدیگر اعتماد می‌کردند تا منابع را به اشتراک بگذارند، همسایگان مسئولیت مراقبت از کودکان و سالمندان یکدیگر را در زمان پناه‌گیری می‌پذیرفتند.

شبکه‌های اجتماعی موجود به کانال‌های سریع و مؤثر بسیج و هماهنگی تبدیل شدند. این شبکه‌ها در دو سطح عمل می‌کردند. شبکه‌های رسمی و نهادی: مساجد، پایگاه‌های بسیج، شوراهای محله و انجمن‌های خیریه به مراکز سازماندهی کمک‌های مردمی، اسکان اضطراری و انتقال اطلاعات تبدیل شدند. شبکه‌های غیررسمی و خویشاوندی: گروه‌های دوستی، شبکه‌های فامیلی و حتی گروه‌های مجازی، نقش حیاتی در پشتیبانی عاطفی، انتشار اخبار موثق محلی و هماهنگی کمک‌رسانی‌های خرد ایفا کردند. جنگ، به‌طور متناقض‌نمایی، به عاملی برای تقویت همبستگی بین قومی و منطقه‌ای تبدیل شد.

شرایط بحران، منجر به ظهور و تقویت هنجارهای اجتماعی قوی مبتنی بر همکاری و تعاون شد. قواعدی مانند «اولویت با نیازمندان است»، «همه در برابر دفاع مسئولیم» و «منافع جمعی بر منافع فردی تقدم دارد» به‌طور گسترده درونی و رعایت می‌شدند. این هنجارها که بخشی از سرمایه اجتماعی هنجاری هستند، توسط مکانیسم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی تقویت می‌شدند.

نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش سرمایه اجتماعی و عوامل روانی-اجتماعی در تقویت اتحاد ملی در بستر جنگ ماه مبارک رمضان زمستان ۱۴۰۴ انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که اتحاد ملی در این شرایط بحرانی، پدیده‌ای تک‌عاملی نبوده، بلکه حاصل تعامل پویا و پیچیده‌ی مجموعه‌ای از عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و دینی است که در قالب سرمایه‌ی اجتماعی فعال و متجلی شد.

دوربین شما

تیم یاوران رسانه
دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

استاد عبدالله عالی شیرمرد
دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی



تیم یاوران رسانه
دانشگاه فرهنگیان استان فارس

امیرحسین سیدآبادی
دانشگاه فرهنگیان استان خراسان رضوی

تیم یاوران رسانه
دانشگاه فرهنگیان استان قم

فاطمه نعمتی
دانشگاه فرهنگیان استان فارس



فاطمه عزیزی
دانشگاه فرهنگیان استان فارس

فاطمه دیانت
دانشگاه فرهنگیان استان فارس

بسه نام

قدر

سیده زهرا شفیعی
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان قم

در محضر نامت «یا مَجِيبَ الدَّعَوَاتِ» دعاهايمان را مستجاب کن (فراز ۲)
دعای جوشن کبیر)

خدایا با قلبی پر از امید و زبانی خاضع به سویت پرواز می‌کنیم. تو را به نام‌های پاکت که شفای دردهایمان است، سوگند می‌دهیم که این ملت را همیشه پیروز میدان بدار.

ای خداوند مهربان، ما دل‌های شکسته‌ای داریم که از ناله‌های مردمان مظلوم کشورم برای رهبر شهیدمان و آه مادران شهدای میناب پر شده است. به حق فرازی که می‌خوانیم: «یا شَافِعِ» ای شفا دهنده‌ی سینه‌ها (فراز ۹) «یا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ» ای جبران‌کننده‌ی استخوان‌های شکسته‌ی شکستگان (فراز ۷۹) دل‌های غمگین و جراحات روحی و جسمی را درمان بفرما و بر زخم‌های آن‌ها مرهم بنشان.

بارالها تو را به صفت «یا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ» ای صاحب انتقام سخت (فراز ۷۸) قسم می‌دهیم که از دشمنان این مرزوبوم انتقام بگیر؛ تو را به حق نامت «مَنْتَقِمِ و یا قَاهِرِ الْأَعْدَاءِ» ای قاهر و غالب بردشمنان (فراز ۹۱) اسرائیل غاصب و کودک‌کش، و آمریکا مستکبر و هم‌دستان پلیدشان را که چشم به آب و خاک ما دوخته‌اند، به دست قدرت خودت نابود کن.

«ای ربّ العالمین» در این میان، تنها پناه ما، ولی و رهبر عزیزمان آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای است؛ تو را به صفت زیبایت «یا حَافِظِنَا» ای نگهدار ما (فراز ۵۳) جان رهبر عزیزمان را حافظ و نگاه‌دار و او را برای ما سلامت و باعزت نگه دار.

و در نهایت، ای خدای بزرگ «یا مَنْ حَقَّطَنی وَ گِلَانی» ای آنکه مرا حفظ کردی و حمایت نمودی (فراز ۶۶) رزمندگان این مرزوبوم را در میدان نبرد حق علیه باطل، یاری کن و حفظ نگه دار. به لطف نامت «یا عزیز» ای گرامی دارنده ما که اطاعت‌کنندگان تو هستیم را عزیز و پیروز بدار و دشمنان ما را که نافرمانی‌ات می‌کنند، ذلیل و رسوا کن.

به حق «یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ» دعايمان را مستجاب بفرما.

ما این بار دعای جوشن کبیر را متفاوت‌تر خواندیم و فریادهایمان برای نابودی دشمنان قاطعانه‌تر خواهد بود.



ابوالفضل سالاروند
دانشجوی دانشگاه فرهنگیان استان تهران



وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ

هنگامی که به سوی دشمنان تیرپرتاب کردی،

تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد

انفال ۱۷



شهرداری فرهنگی دبستان شجره طیبه میناب



شهرداری دانش آموز دبستان شجره طیبه میناب

